

SÜSma

سال اول اسفند نود - شماره سه

Bayramınız
Mübarak!



اولو تانرین آدی له

با همت راسخ جمعی از جوانان یورشور آذربایجان، شماره سوم نشریه آماده و در اختیار شما عزیزان قرار میگیرد.

در این مدت کوتاهی که از آغاز بکار نشریه میگذرد، بسیاری از دوستان با نظرات و انتقادات خویش، ما را مورد مهر و محبت خویش قرار داده و نکات ارزشمندی را برای هر چه بهتر شدن سوما ارسال نموده اند. دست اندرکاران نشریه با آغوش باز پذیرای انتقادات و پیشنهادات شما بزرگواران بوده و نهایت تلاش خویش را برای ارتقاء کمی و کیفی نشریه بکار خواهند بست.

همچنین به اطلاع همراهان گرامی می رساند، آنطور که قول داده بودیم نظرات تعدادی از دوستان را در مورد سوال شماره قبل نشریه ((زنان برترند یا مردان!؟)) عیناً در صفحه ۲۱ این شماره چاپ نمودیم، جا داره ضمن تشکر از این دوستان، از بقیه عزیزانی که دیدگاه خود را برای ما ارسال نموده بودند، اما بدلیل محدودیت در تعداد صفحات نتوانستیم، چاپ نماییم، عذرخواهی نموده و برای همه خوانندگان نشریه آرزوی موفقیت بنماییم.

آدرس ارتباطی ما با شما:

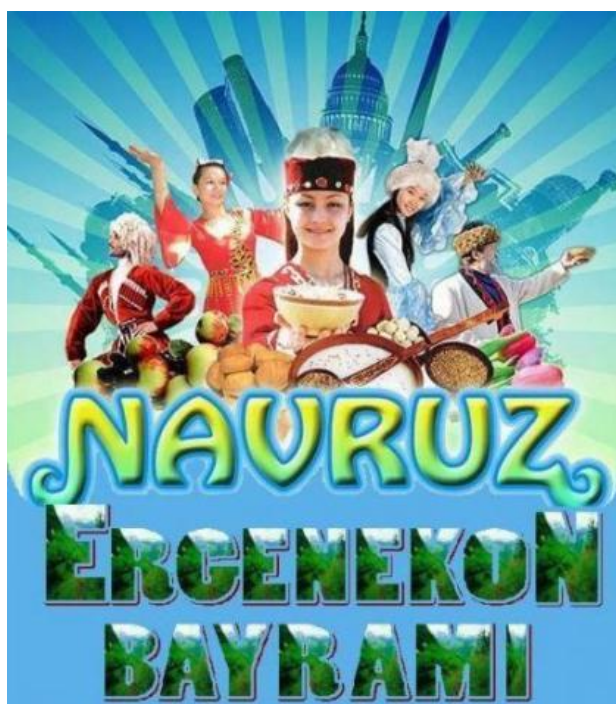
susmaaaa@gmail.com

*همچنین شماره بعدی نشریه حول محور **اورمو گولو** و جریانات پیرامون آن خواهد بود. در صورتی که مطلبی در این مورد دارید به آدرس بالا ارسال نمایید.

- ۲..... منشا سفره هفت سین
- ۴..... سفره یئدی سین
- ۸..... محمد امین رسول زاده
- ۱۰..... نوروز آخشامینین عادتلی
- ۱۴..... ترکیب جمعیتی ایران
- ۱۵..... منشا و معنا و قدمت کلمه تورک
- ۱۸..... ایل بایرامی و چرشنه دبلی
- ۲۱..... نظرات خوانندگان در مورد حقوق زنان
- ۲۴..... خبرلر

سوسما – نشریه جمعی از فعالین مستقل حرکت ملی آذربایجان

در این مقاله تحقیقی قصد داریم درباره ی سفره ی هفت سین تورکی و کمی از عید نوروز برایتان صحبت کنیم . از کنده کاری های انجام شده روی تپه و جام حسنلو واقع در ۷ کیلومتری سولدوز نشانه هایی از مراسم بایرام (عید نوروز) تورکان کشف و رویت شده است که نشان می دهد، بایرام (عید) میراث تورکان از گذشته های دور و از تمدن هایی مانند مانناها و اوراتورها بجای مانده است. این فرهنگ و رسوم متعالی با گذر زمان در بین دیگر مردمان و ملتها نیز رایج گشته است. به گواهی تاریخ عید نوروز از ۳۰۰۰ سال قبل حتی پیش از زرتشت در میان تورکان رایج بوده است. در میان منابع فارسی (از جمله ابوریحان بیرونی) و دیگر منابع تاریخی آمده است که جمشید پادشاه فارسها با آیین بایرام تورکان آشنا شده و دستور برگزاری آنرا در میان فارسها می دهد.



اوغوز (نوروز)

در اساطیر فارسی نوروز از زمان سفر جمشید شاه به منطقه ی تورکی آذربایجان به وجود آمده و در این سفر جمشید شاه مراسمی را که بهنام اوغوز (نوروز) (طایفه ی اوغوز) معروف بوده می بیند و آنرا می پسندد و چون این مراسم در حین تجدید سال (بئنی ایل) اتفاق می افتاده ضمن معرفی آن به قوم خویش آن را نوروز می نامد تا شروع سال جدید را نشان دهد.

یئنی گون " نوروز "

در گذشته های دور تورکان به نوروز "یئنی گون" می گفتند و این موضوع آشکارا در دیوان لغات الترک کاشغری که بیش از ۱۰۰۰ سال پیش نوشته شده است می توان مشاهده کرد.

بایرام (عید)

در زبان فارسی معادلی برای کلمه "بایرام" وجود ندارد و کلمه "عید" یک لغت عربی است که فارسها بکار می برند. حتی لغت "جشن" نیز کلمه ای تورکی است و در فرهنگ تورکی سنکلاخ به آن اشاره شده است.

یئدی (هفت):

عدد یئدی "هفت" در میان تورکان جایگاهی ویژه دارد. تاریخ نشان می دهد که این عدد را اولین بار تورکان سومری ابداع کرده اند که به مرور زمان در میان ملل دیگر جای باز کرده است. تقدس عدد هفت در نزد بسیاری از ملل و اقوام بشری مورد توجه بوده است مانند: هفت آسمان ، هفت دریا، هفت شهر عشق ، هفت روز هفته و... هفت وادی سلوک در تصوف. مولوی می گوید:

هفت شهر عشق را عطار گشت ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم

یئدی سین (هفت تا):

در اساطیر تورکان آمده است که پسر اوغوز در یک سال از زمستان سختی رهایی می یابد و برکت های بسیاری به وی روی می آورد و پس از آن تورکان به شکرانه ی این برکت ها هر ساله ۷ تا از برکتها یا نماد آنها را در سفره ای گذاشته و جشن می گرفتند که "یئدی سین" یا "یئی سین" در تورکی یعنی "هفت تا از" برکتها می باشد و در واقع چیزی (که باحرف "س" شروع شود) به نام هفت سین نداریم. برای مثال ماهی سین نداشته ولی نماد برکت آب و دریا است و در سفره هفت سین قرار داده می شود.

در زمان های قدیم، در میان تورکان رسم بوده است که هفت عدد از برکت های جهان آفرینش را جمع می کردند تا هم فرصتی باشد که از آفریدگار جهان تشکری به عمل آید و هم آنها را (به نمایندگی از تمام نعمت هایی که "تانی" (خدا) به مردم بخشیده است) با خود از سال قبل به سال جدید منتقل کنند. عدد هفت هم در این میان نشانه ی کثرت بوده است.

حال، چون هفت برکت را با خود می بردند آنها را درون سفره ای می گذاشتند و آن را ((برکتردن یئددیسین قویماق)) گذاشتن هفت تا از برکت ها می نامیدند. آنها عبارت بودند از:

۱ - یئر برکتی (برکت زمین): قوورغا (گندم یا عدس یا سمنو و سونبول)

گندم رمز و نماد برکت زندگی است و در واقع گندم که ماده اصلی نان می باشد. در زندگی انسان نقش اساسی را ایفا نموده و به همراه سو (آب) دو عنصر اصلی و اساسی حیات انسانی را تشکیل می دهند. سمنو سمبل قدرت و شجاعت است. سمنو، نماد زایش و باروری گیاهان و نماد خیر و برکت و شیرینی است. هر چند امروزه بعنوان حلوا ی خوشمزه و خوردنی بشمار می رود، ولی در اصل این کلمه به ماده اولیه آن جوانه سبز و تازه رسیده گندم اطلاق می شده است.

۲ - آغاچ برکتی (برکت درخت): آما یا اییده (سیب یا سنجد)

سیب میوه ی سلامتی است و نماد و نشانه عشق ، مهرورزی ، دلدادگی و زاینده گی است. در گذشته سیب را درخم های ویژه ای نگهداری می کردند و قبل از نوروز به همدیگر هدیه می دادند. سنجد، سمبل و نماد عشق و دلباختگی است و از مقدمات اصلی تولد و زاینده گی می باشد. عده ای عقیده دارند که بوی برگ و شکوفه درخت سنجد محرک عشق است ! وقتی میوه آن بارور می شود و عطر آن در فضا می پیچد تحریک کننده قوای احساسی انسان است.

3- گۆی برکتی (برکت آسمان): قورآن یا آینا (قرآن یا آینه)

قرآن، نماد دین باوری و خدا جویی است. آینه نمادی از خلقت و صداقت و یکرنگی و به خویشتن نگریستن و به درون نظاره کردن است. شمع ، نماد نور و روشنایی و دانایی است. البته قرآن و کتابهای آسمانی منتسب به عقیده ی مذهبی بسته بود و در بعضی جاها گنجاتنده نشده بود.

4 - گویرمک برکتی (برکت سرسبزی و رشد): گویرمک (سبزی)

سبزی نماد طراوت، خرمی، سرسبزی، نو زیستی، نوزایی، باروری، سادگی و ایثار، خیر و برکت و تجدید حیات و نشانه شادابی زندگی بشر و نشانگر پیوند او با طبیعت است.

5 - آل - وئر برکتی (برکت خرید و فروش): سیککه (سکه)

سکه، نشان ثروت و دارندگی است. سکه به نیت برکت و درآمد زیاد و بی نیازی و توفیق خدمت و هر آنچه به پیشرفت تمدن کمک کند می باشد.



6 - حیوان برکتی (برکت حیوان): یومورتا (تخم مرغ)

تخم مرغ، نماد آفرینش و زایش است. تخم مرغ رنگ شده نشان از باروری دارد.

7 - سو برکتی (برکت آب): سو و بالیق (آب و ماهی)

سو (آب)، مایع حیاتی و نشانه بی رنگی است. به عنوان رمز و بقای زندگی و روشنی دل انسانها بشمار می رود و زندگی انسان بدون وجود آن امکان پذیر نیست و در گذشته های دور در میان تورکان تا حد پرستش مورد احترام قرار گرفته است. ماهی نشان و نماد تازگی، شادابی و تکاپو و سرزندگی، حرکت و پویایی است. انتخاب ماهی قرمز هم در تفکر اسطوره ای تورکان، معنای مبارکی (قوتلولوق) نیز داشته است.

ترجمه و تفسیر به رای:

حال، این ماجرا به زبان فارسی آمده است و عدم توجه ترجمه کننده یا ترجمه کنندگان محترم (که لطف کرده اند!!!) به "سین" در "یئددی سین" - که در زبان تورکی به معنای "تا" در "هفت تا" در زبان فارسی است- موجب شده است تا بالاجبار این کلمه را همانطور "سین" ترجمه کنند و آن را دارای رابطهای با حرف «س» نمایند. حال، تعدادی افراد هم از آب گل آلود، ماهی گرفته و لطف می کنند و برای اثبات "هفت شین" بودن آن قبل از اینکه "هفت سین" باشد(!!!) دلایلی واهی و غیر قابل قبول می آورند که حتی بچه ی کوچک هم آنها را باور نمی کند تا چه رسد به یک ملت! در منابع فارسی سفره "هفت شین زرتشتیان باستان" (شمع و شراب و شمشاد و شیرینی و شیر و شاهانه و شربت) ذکر شده است.

دلایل یئدی سین:

حالا برای اینکه اصلاً جای ابهام نماند، دلایلی کافی برای "برکترلدن یئددی سین قویماق" بودن به جای "هفت سین" تقلبی (!)، می آوریم:

1- انتخاب حرف "س"، اصلاً معنای تفکر اسطوره ای ندارد. چرا که در هیچ کجای دریای کلمات و حتی در میان بازی های انجام شده توسط کلمات (که یکی از آنها همین مسئله ی هفت سین است)، حرف "س" به معنای مبارکی و ... به کار نرفته است. البته قابل توجه ماهی گیرندگان از آب گل آلود (که چند سطر بالا آنها و تفکر واهی آنها را معرفی کردیم)، این اتفاق برای حرف "ش" هم، چنین است و علاوه بر اینکه سفره ی هفت سین نداشتیم، هفت شین و شراب و شیر (منظور شیر آب!) نداشته ایم. (دقتتان را بیشتر نمایید)!

2 - با توجه به "هفت سین" بودن سفره هر چه که حرف "س" در اول آن آمده است، باید در سفره باشد؛ یعنی مثلاً خود سفره را هم باید درون سفره ی هفت سین گذاشت و یا "سرگین" را و یا ... (که خودتان می دانید آخرش، کار به جاهای باریک تر هم می رسد)

3 - اگر هنوز، قبول نکرده اید که نوروز همان اوغوز است که از تورکی به فارسی و دیگر جاها رفته است و آن را نوروز تصور کنید و آن را عیدی باستانی و قدیمی بنامید، باید بدانید که زمانی که نوروز بود، خط نوشتاری زبان فارسی، خط عربی نبوده است تا حرفی با نام "سین" در آن تصور شود! (دقتتان را بیشتر کنید)!

4 - با توجه به اینکه نوروز از اوغوز گرفته شده است، احتمال این مسئله خیلی خیلی ... بیشتر می شود که چیزهایی هم که به آن مربوط هستند، از تورکان و زبان اصیل و زیبای تورکی سرچشمه گرفته و به زبانهای دیگر رفته است که در نتیجه ی تشابه دو مثلث (!)، اضلاع متناظر متناسب بوده و هفت سین از همان "برکتلردن یئددی سین قویماق" گرفته شده باشد.

5 - توجیه تخم مرغ و رنگی شدن آن و البته آینه و قرآن و ماهی و آب در سفره ی هفت سین، اصلاً با کلمات هفت سین جور در نمی آید که نه تنها، اولشان با "س" شروع نمی شود، اصلاً حرف "س" درون آنها به کار نرفته است! پس از این به بعد یادتان باشد که سفره ی هفت سین نداریم. بلکه آن از همان "برکتلردن یئددی سین قویماق" است که دزدیده شده است! و می دانیم که دزدی چه کلمه باشد چه خانه و چه پول و ماشین و ... ، گناه است و زشت کاری بُود ! پس سعی کنید شما در این گناه، دست نداشته باشید و قسمتی از این گناه را هم برعهده نگیرید. درباره سفره یئدی سین همچنین گفته شده است که هریک از برکتها نمادی از صداقت ، عدالت و انصاف ، رفتار و کردار و گفتار نیک ، کامیابی و کامیاری ، پرهیزکاری و تقوا ، ادبیت و بخشش هستند خوب نگاه کنید که چگونه طبیعت ناب در این سفره نوروزی خلاصه شده است و آنچه در طبیعت از زیبایی ها وجود دارد مظهری در سفره یئدی سین دارد. سفره یئدی سین مملو از آرمانها و آرزوهای یک ملت برای بهروزی و سعادت مندی است و در واقع نه تنها یک ملت بلکه در معنای عام بشریت. چرا که اینها مفاهیمی محلی نیستند و به گذشته و حال و آینده انسان و رستگاری ابدی او وابسته اند. تمام این تکاپوها برای رسیدن یک لحظه است: لحظه تحویل، که به دنبالش بهار می آید و نشانه هایش را می آورد. بهار با جشنواره رنگ های شاد گل ها که در دامن دشت ها به پا می شود، بهار با اندام عریان درختانی که جامه سبز به تن می کنند. هر برگ و شکوفه ای که جوانه می زند شمعی است که به افتخار جشن تولد طبیعت روشن می شود.

منبع: مجله ی دیلماج

فرهنگ سنکلاخ

فرهنگ لغات التری



محمد امین رسول زاده. (تولد ۳۱ ژانویه ۱۸۸۴ نوخالی باکو. مرگ ۶ مارس ۱۹۵۵ استانبول). در سال ۱۹۰۲ «سازمان جوانان مسلمان» را بنیان گذاشت که از جمله اهداف آن، چاپ و پخش بیانیه و تبلیغ در بین کارگران کارخانه‌ها بود و در این راستا نشریه‌ای بنام «همت» انتشار داد که بعدها «تکامل» شد. او در سال ۱۹۰۵ در جریان مبارزات انقلابی خود با استالین آشنا شد. آنموقع هر دو ۲۰ ساله بودند و رسول زاده به عنوان روزنامه‌نگار کار می‌کرد. او مقاله‌هایی را برای انواع روزنامه‌های مخالف می‌نوشت و با گروه مساوات آذربایجان همکاری داشت. استالین نیز در باکو بود و کارگران شرکت نفت را علیه سرمایه‌داری و تزار سازمان‌دهی می‌کرد. زمانی که مقامات رسمی روسیه تلاش کردند استالین را دستگیر و زندانی نمایند، رسول زاده او را در آپارتمان شخصی‌اش پنهان کرده و جانش را نجات داده بود. در ۱۹۰۶ در روزنامه «قلم» مقاله می‌نوشت و آنگاه به سردبیری موقت آن رسید. در این سال سردبیری «تکامل» را عهده‌دار گردید. در ۱۹۰۷ که عرصه بر مخالفان در روسیه تنگ شد، به ایران آمد و در حمایت از مشروطه به فعالیت پرداخت. او همراه کسانی چون سیدحسن تقی‌زاده و سلیمان میرزا اسکندری و سیدمحمد رضا مساوات، حزب دموکرات را بنیان نهاد و روزنامه «ایران نو» را انتشار دادند. رسول زاده سرمقاله این روزنامه را می‌نوشت. او در ۱۳۲۸ ه.ق و در دومین سال انتشار آن سردبیر شد. در ۱۹۱۱ به تورکیه رفت و به «تورک اوجاگی» پیوست. پس از آغاز جنگ جهانی اول، به باکو بازگشت و فعالیت خود را از سر گرفت. در ۱۹۱۷ که رژیم تزاری سرنگون شد، او زمینه را برای استقلال آذربایجان فراهم یافت. در ۲۸ مه ۱۹۱۸ تشکیل جمهوری آذربایجان به عنوان اولین جمهوری مسلمان جهان اعلام شد و رسول زاده با اکثریت آراء به عنوان رهبر شورای ملی آذربایجان برگزیده شد. در ۲۸ آوریل ۱۹۲۰ که نیروهای ارتش سرخ

به رهبری سرگئی کیروف، باکو را تصرف و جمهوری آذربایجان را ساقط کردند، رسول‌زاده در روستایی مخفی شد ولی به زودی دستگیر و زندانی شد. استالین به باکو آمده و او را از زندان نجات داد. رسول‌زاده با پیشنهاد و همراه استالین به مسکو رفت. در مسکو استالین پستهای مختلفی را به او پیشنهاد کرد ولی او هیچکدام از آنها را نپذیرفت چون از سقوط جمهوری آذربایجان به دست بلشویکها آزردہ خاطر بود. او حتی سمت مترجم رسمی دولت شوروی را نپذیرفت. رسول‌زاده در دانشگاه مسکو، تاریخ و ادبیات شرق را تدریس می‌کرد. چون شیوة استالین نابود کردن دوستان قدیمی بود، رسول‌زاده به یاری برخی از اعضای حزب مساوات، به فنلاند گریخت و از آنجا در سال ۱۹۲۲ به تورکیه رفت. استالین از آتاتورک خواست تا طبق قرارداد استرداد مجرمین سیاسی، رسول‌زاده را به شوروی تحویل دهد. آتاتورک از رسول‌زاده خواست تا آرام شدن اوضاع، تورکیه را ترک کند. رسول‌زاده به لهستان رفت و در آنجا با ژوزف پیلسودسکی رهبر لهستان دیدار کرد. چندی بعد با دختر برادر یا خواهر پیلسودسکی ازدواج کرد. با حمله آلمان به لهستان در ۱۹۳۹، رسول‌زاده به تورکیه بازگشت. در این زمان هیتلر برای عملی کردن نقشه‌های بلند مدتش، نیاز به کسانی داشت که در منطقه قفقاز نماینده او باشند. هیتلر وصف فرهیختگی و دانش رسول‌زاده را شنیده و تشخیص داده بود که او تنها فرد مناسب است. رسول‌زاده در آلمان با هیتلر دیدار کرد. آرزوی او احیای استقلال آذربایجان به یاری آلمان بود. زمانی که هیتلر آماده سازماندهی ارتش خود بود، از رسول‌زاده خواست تا برای آنان سخنرانی کند. در سخنرانی او تنها عشق به آذربایجان دیده می‌شد. از این رو به او ۲۴ ساعت مهلت داده شد که آلمان را ترک کند. رسول‌زاده نیز به تورکیه بازگشت و بر اثر بیماری قند درگذشت. او در میان شخصیت‌های آذربایجانی از وجهه بسیار بالایی برخوردار بوده و است. دکتر فریدون آدمیت در کتاب «ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران» درباره او چنین نوشته است: «او اندیشه‌گری است پرمایه، با ذهنی فرهیخته و فکری منظم و منطقی. از مردان استوار و بافضیلت بود.»

برای آگاهی بیشتر ن.ک:

-آبادیان، حسین. رسول‌زاده، فرقة دموکرات و تحولات معاصر ایران. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. تهران. ۱۳۷۶

-علمی، حسین. محمدامین رسول‌زاده بنیانگذار جمهوری آذربایجان. مجله وارلیق. زمستان ۱۳۷۲

نوروز آخسامینین عادتلری

۱- نوروز آخسامی موردار لانمامیش آرخ کنارینا بیر یومورتا، ایکی رنگلی (قارا و قیرمیزی)، قویورلار. بونو ائدن قیز اولسا، اورگینده آرزو توتورکی، گورسن بختینه نئجه اوغلان دوشه جک. باشقالاردا هر هنسی بیر ایش اوچون نیت ائدیر. مثلا، گلین اری نین تنز قاییتماسنی، آنا اوغلونون دئیوشدن ساغ-سالامات چیخماسینی، حال-حاضیردا ایمتاحاندا اوغور قازانماغی و ساییر...

سحر گدیب آرخین کنارینا باخیرلار: یومورتانن اورتاسیندان قیرمیزی خط چکیلسه نیتلری نین باش توتاغاغینا اینارلار. عکسینه قارا خط چکیلسه، ساچلارینی یولارلار و او گوندن اوزلری گولمز.

۲- آخیر چرشنبه گنجه سی پیس شئیلردن دانیشماق، نس گتیرمک، کنفسیز اولماق، نالاییق حرکتلر ائتمک اولماز. دئیرلر آنجاق بو گونو اینسانین عملی، ایستگی، فیکری و رفتاری قانینا کئچیر، ایل بویو خاصیتینی دیییشه بیلمز.

ایل آخیر بایرامی نین ان گوزل خصوصیتی اودورکی، ائوده-ائشیگده هر شئی تزه لنیر. هامی این-باشینا تپ تزه لیباسلار گئینیر. ائله اتمک لازیمدیر کی، تزه له نن شئیلر پیسلیگه، شره خیدمت ائتمه سین.

۳- آخیر چرشنبه ده هر حیطده بویوک تونقالار قالانیر، اطرافیندا شنله نیر، اوستوندن توللانیب دئیرلر:

آغیرلیغیم، اوغورلوغوم اودلارا / تونقالدان آتلانمایان اوتلارا.

آغریم، اوغروم تۆکولسون/ اودا دوشوب کول اولسون / یانسین آلو ساچیلسین / منین باختیم آچیلسین.

بئله حساب ائدیرلرکی، اولن بابا-ننه روحلاری ایلده بیر دفعه آنجاق بو گنجه اؤز یوردلارینا باش چکیرلر. قارائلیق دوشنده اونا گوره گور تونقارلار قالانیرکی، بو روحلار اؤز ائولرینی راحت تاپسینلار. بابا-ننه روحلاری دامدا اوتوروب حیط-باجایا تاماشا ائدیرلر یاداکي:

گۆرسه لرکی، سلقه-ساهمان وار، نوه-نتیجه لری نین اوجاقلاریندا قازانلار قایناییر، اوزلری گولور، هامی «بال» دئییب، «بال» ائشیدیر، سئوینیلر، سحره یاخین کونوللری خوش گئدرلر.

عکسینه، گۆرسه لر کی، یورددا قارما-قاریشیقلیقدی، دام اوچوب، یئرینده بایقوشلار اولاییر، هامی بیر-بیرینی ایت کیمی قاپیر، نه یئمک وار، نه ایچمک، اوینده برکتی ایتیریلر، برک اینجییر، هئچ ساباهن آچیلماسنی گۆزله مز، کوسوب گئدر، بیرده هئچ واخت او طرفلره اوز توتمازلار.

۴-آخیر چرشنه لر قدم قویاندان سورا قیز-گلین بوشقابلارا بوغدا تۆکوب چیم گۆیدیرلر. کیمین چیمی بیرینجی جوجرسه اونون اورگینده توتدوغو نیتی مطلق یئرینه یئته جک-دئیرلر. آخیر چرشنه سمنی پیشیرر و قونوم-قونشویا پایلایارلار. و بو شعرلر اوخونار:

سمنی، آی سمنی / ایلده بسله رم سنی / سمنی / ساخلا منی / آی سمنی، ساخلا منی /
اورگیمده توتدوغوم، یارا آداخلا منی / سمنی ساخلا منی، ایلده بسله رم سنی.

۵-آخیر چرشنه گونو قیزلار بیر یئره بیغیشیب فال آچیرلار: سویا ایینه سالماق، بولاقدان سو گتیرمک، اورگینده نیت توتوب، بایاتی دئمکه آچیلان فاللار چوخ ماراقلیدیر. بو زامان اوخونان بایاتیلار دا ماراقلیدیر:

بولاق باشی سریندی،

سویا گیرسم، دریندی،

آغاجدا وار شافتالی،

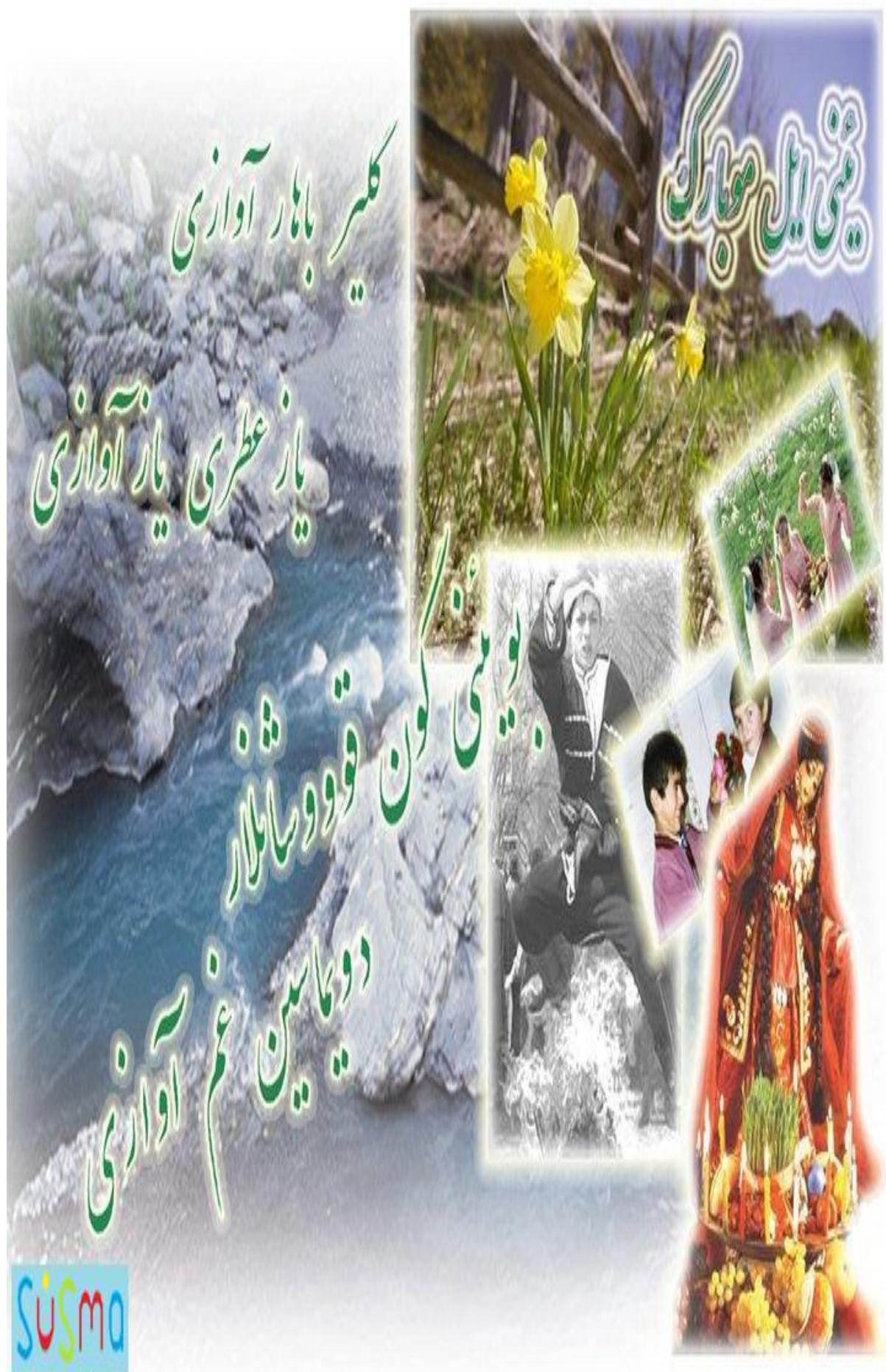
قیسمتیم، دریندی،

شافتالییام کالام من،

یار قاداسین آلام من،

کۆچهاکۆچ باشلاناندا،

ایستمیرم قالام من



نیمه ایل مبارک

کلمه بهار آوازی

بهار عطری بهار آوازی

بوی بهار

قوت و سلام

دو ماهین غم آوازی

Susma

ترکیب جمعیتی ایران بر اساس آمار منبع زبان شناسی

SIL

بر اساس آمار ارائه شده از منبع زبان شناسی (SIL) سایت "www.ethnologue.com" در این سایت می توانید ترکیب جمعیتی تمامی کشورها رو با کلی توضیحات ببینید" در سال ۱۹۹۸ در ایران حدود ۷۷ زبان وجود دارد که ۲ زبان از این ۷۷ مورد منقرض شده است و ترکیب جمعیتی ایران براساس آمار این منبع در سال 1998 زمانی که ایران ۶۵ میلیون نفر جمعیت داشت) به صورت زیر بوده است:

آدرس دقیق این آمار :

http://www.ethnologue.com/V15/show_country.asp?name=IR

65,758,000	جمعیت کل ایران بر اساس آمار دولتی
23,500,000	متکلمین زبان ترکی آذربایجانی
1,500,000	قشقایها (ترکی آذربایجانی)
400,000	متکلمین ترکی خراسانی
2,000,000	متکلمین زبان ترکی ترکمنی
22,000,000	متکلمین زبان فارسی
4,280,000	متکلمین زبان لری
3,450,000	متکلمین زبان کردی و کرمانجی
3,265,000	متکلمین زبان گیلکی
3,265,000	متکلمین زبان مازندرانی
1,400,000	متکلمین زبان عربی
856,000	متکلمین زبان بلوچی
332,000	متکلمین زبان تالشی و تاکستانی
170,800	متکلمین زبان ارمنی
700,000	بقیه زبانها

مسلمانا می توان گفت که رشد جمعیت ملتها و قومیت های مختلف ایرانی تقریبا با نسبت یکسانی بوده و مقایسه ی جمعیت ایرانی اعم از تورک ،فارس،کورد،عرب و ... الان نیز به همین حالت است.

منشاء و معنا و قدمت واژه تورک

واژه تورک محتملاً چند هزاره پیش از میلاد پدید آمده است. این نام در سده های پایانی هزاره دوم قبل از میلاد وجود داشت. برخی از محققان تاریخ و زبان تورکی از جمله خانم "عادلہ آیدین" بر آنند که نام "تورک" از فعل "دورماق" (ایستادن - توقف کردن) پدید آمده است. روند پیدایی این نام چنین بوده است. فعل دورماق زبان تورکی آذری معاصر، در میان اکثر اقوام تورک آسیای میانه در دوران باستان و معاصر به صورت "تورماق" بکار رفته و می رود. یعنی صدای "د" به "ت" تبدیل می شود. این تبدیل یک تحول عادی فونتیک است.

بخشی از تورکان باستان به سبب ضرورت های اقتصادی زندگی خویش، کوچ رو بوده و به صورت اتحادیه های طایفه ای می زیستند. برخی از قبایل و طوایف این اتحادیه ها، بهر روی، به رهبری پیشوایان خویش از ترکیب اتحادیه جدا شده، یکجانشین شدند. این هنگام دیگر قبایل اتحادیه آنان را "توروگ" (صفت فعلی "تورماق" به معنی ساکن شده، یکجانشین) نامیدند و این واژه بعدها به تدریج به نام برخی قبایل تورک تبدیل شد. بعدها با به وجود آمدن دولت "گوی تورک" دو صدای پسین منحنی (قالین دوداقلانان) در واژه "توروک" (یعنی فونم های U) تحت تاثیر صدای نازک "او" = ö در کلمه گوی (به معنی خدا و آسمان) قرار گرفته و براساس قانون هماهنگی مصوت ها در زبان تورکی به "توروک" Türük (گوی توروک) تبدیل می شود و کلمه اخیر هنگام کاربرد مستقل آن بصورت "توروک" تلفظ می شود.

دولت گوی تورک در سده های هفتم و هشتم میلادی قوام داشت. با رواج الفبای عربی میان تورکان در ادوار متاخرتر این واژه بصورت "تورک" نوشته شده است، از آنجا که در الفبای عربی برای صدای نازک پهن (اینجه دوداقلانان) "او" U حرف مستقلی وجود ندارد و این صدا با حرکه مشخص می شود. لذا با اسقاط این حرکه، کلمه مزبور، هم در تلفظ و هم در کتابت به شکل "تورک" تحول یافته است. اصطلاح تورک چگونه و چه زمانی پدید آمده است؟ "تورک" اصطلاحی است که پس از میلاد عمومیت و شمول یافته است. لیکن این واژه مدتها پیش از میلاد بوجود آمده و برخی قبایل تورک به این مسمی گشته اند. این کلمه دارای تلفظ های مختلف بوده است.

ما در منابع آشوری قبل از میلاد به نام "تورک" بر می خوریم. به نوشته پامپولسکی در منابع آشوری از سکونت "توروگ" ها = تورک ها در حوزه دریاچه اورمیه سخن رفته است.

در برخی منابع نشان داده شده است که این گزارش منابع آشوری مربوط به قرن ۱۴ قبل از میلاد است. در برخی منابع نشان داده است که این گزارش منابع آشوری مربوط به قرن ۱۴ قبل از میلاد است. در منابع اورارتویی نیز اطلاعاتی مبنی بر سکونت "توروخ" ها در ناحیه اطراف دریاچه اورمیه وجود دارد. از آنجا که اطلاعات و گزارشات مذکور منابع

آشوری و اورارتوئی اشاره به ناحیه واحدی دارند می توان احتمال داد که گزارش هر دو منبع مربوط به قوم واحدی است. مربوط بودن گزارشات منابع اورارتوئی به چندین سده پس از منابع آشوری بیانگر آن است که این قوم (توروک ها) قرن های متمادی در اراضی آذربایجان جنوبی سکونت داشته اند.

بنابراین بر اساس منابع موثق تاریخی بطور قطع می توان گفت که از ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد تا ۶۱۲ ق . م . و احتمالا پیش و پس از این دوران نیز در اراضی اطراف دریاچه اورمیه قبیله یا قبایل و یا اتحادیه قبایل "تورک" سکونت داشته اند.

بون تورکها (Bun Türkler)

به نوشته میر علی سیدوف "بون تورک"ها در سده چهارم قبل از میلاد در آذربایجان و سرزمین های مجاور آن می زیسته اند. به گفته وی در کتابی بنام "کارتلینی نین مراجعتی" قید شده است که وقتی اسکندر پسران "لوتا"را به فرار وا داشت با "بون تورک"های خشمگین مواجه شد. آنان در سواحل رودکی می زیستند و در چهار شهر سکونت داشتند و "بون تورک" و یا "بون توروک"ها نامیده شده اند. محقق گرجی "ی.س. تاکایشویلی" این قبایل را تورک دانسته می نویسد: «بون تورک ها یا تورکان و یا تورانیانند». آکادمیسین مار "بون تورکها" را به معنی "تورکان محلی" دانسته است. برخی دیگر از محققان نیز این نام را "هون تورک" دانسته اند. گرجی تفاوتی میان "بون تورک"ها و قبیچاق"ها نمی بینند.

این امری کاملاً طبیعی است چرا که زبان ، عادات و رسوم، اعتقادات دینی، شیوه زندگی و... این هر دو قوم یکی بود.

هر دوی این اقوام تورک بودند به نوشته میر علی سیدوف در برخی زبانهای تورکی از جمله در زبان تورکان کومان، قیرغیز، تاتار و قاراقیرغیز، واژه «بون» به معنی "نسل نژاد" بود بدین ترتیب "بون تورک" به معنی نسل و نژاد تورک بوده است. از اینرو نیز در میان تورکان اتونیم هایی چون «بون سووار» (نسل سووار=سایبر)، "بون قبیچاق" (نسل قبیچاق)، "بون اوغوز" (نسل اوغوز) وجود داشت. بنابراین اقوامی با نام تورک در دوران پیش از میلاد هم در آذربایجان سکونت داشته اند.

"هایلان توروک"ها(خایلان توروک ها)

در سده پنجم میلادی در آذربایجان شمالی "خایلان توروک"ها و یا "هون"ها سکونت داشتند. براساس منابع ارمنی پادشاه آنان "آران" نام داشت. به نوشته منابع،هایلان تورک ها جزو اتحادیه طوایف هون بودند که در اواسط سده پنجم قبل

از میلاد در قفقاز شمالی می زیستند. سیدوف نشان می دهد که واژه "هایلان" در زبانهای تورکی با شقیردی و اغوزی به معنی "برگزیده" و "محترم" بوده است. بدین ترتیب هایلان تورک به معنی تورکان محتشم می باشد. تورکوت ها

تورکوت ها طوایفی بودند که با "تلل" ها می زیستند. از این دو قوم "تلل" ها از اتحادیه هون جدا شده و دچار سختی و مشقت شدند. لیکن تورکوت ها زندگی در کنار هون ها را ترجیح دادند. تورکوت ها در دامنه های کوه های آلتای می زیستند و پیشه آنها آهنگری و تا حدودی نیز دامداری بود. بدین ترتیب اگر چه قوم تورک با این نام (تورک) بصورت عام از دوران پس از میلاد یعنی از عهد دولت گوی تورک بدین سو معروف گشته لیکن واژه تورک از قرن ۱۴ ق.م شناخته است.

ریشه زبان تورکی و جایگاه آن در بین دیگر خلقها

هرمن وانبری (Herman vanberi) می نویسد: زیبایی کمال زبان تورکی تا بدان پایه است که جایگاه آن حتی از زبان عربی که گفته می شود: گویا از طرف زبان شناسان زبده ای ساخته و پرداخته شده سپس جهت استفاده در اختیار آنان قرار گرفته است، نیز شامختر می باشد و در عین حال ماکس مولر (Max Muller) زبان شناس شهیر قرن ۱۹ م. بر این باور است که: ابزار گرامری زبان تورکی چنان منظم و قانونمند، چنان کامل می باشد که این تصور را به ذهن متبادر می سازد که شاید بنا به رهنمود یک فرهنگستان، از سوی زبان شناسان خبره ساخته و پرداخته جهت استفاده ارائه شده باشد... زمانی که ما زبان تورکی را با دقت و موشکافی می آموزیم، با معجزه ای روبرو می شویم که خرد انسانی در عرصه زبان از خود نشان داده است. گفتنی است سازمان بین المللی علمی فرهنگی یونسکو اخیراً طی آماري زبان تورکی را سومین زبان زنده و با قاعده دنیا معرفی کرده است.

منابع :

- ۱- تاریخ دیرین ترکان ایران - پروفیسور دکتر محمد تقی زهتابی
- ۲- نگاهی نوین به تاریخ دیرین ترکهای ایران

ايل بايرامى و چرشنبه دېلرى

ايل بايرامىنى حورمتلى خالقىمىزدا و سئويملى دوستلارىمىزدا موبارك اولسون دئيب اولو
تانرىدان هامىلارىمىزدا اوغورلو گونلر ديله بيريك ..

اوغوز بايرامى آذربايجاندا يالنىز «بايرام» و يا «ايل بايرامى» آدلانىر و بو بايرامدا ايرانىن
باشقا بولگه لرى كىمين بير نچه مراسىملر گنچىلىر او جمله ده ن ائوده حيطده آبادلىق،
تمىزلىك ايشلىرى آپارىلىر، آج اكيلير و شىرىنىيات نؤولرى و پلوو پيشىرىلىر. رنگىرنگ
يومورتا بويانىر، مجمگى و سىنىلرده خونچا بزه نىر، تونقال قالانىر، سمه نى قويولور،
اؤلنلر خايطره سى ياد ائدىلىر، كوسولولر بارىشىر، قوهوم-قونشولار بير-بىرىنه قوناق گندير،
پاي گوندىرلر. آشىقلار باهارى مدح ائدىر. اوغلان و قىزلار تزه پالتار گنئيب چاليب اوينايىر
جوانلار آت چاپدىرىب، گولشىر، كوشتو توتورلار.



دېلره بير باخش

ياخين گنچمىشلرده آذربايجاندا ايلين سون آيينىن هر بير چرشنبه سى، طبيعتىن بير عنصرى ايله
علاقه لندىريلمىش و مقدس لشدىريلمىشدىر. اسكى ايناملاردا گوره، بو چرشنبه لرىن هر بيرينده
طبيعتىن دورد عنصرى بىرى دىريلمىش(اود، سو، يئل و توپراق)، بديعى تفكورده انسان
جىلدىنده تصور ائدىلن هر بير چرشنبه ايله باغلى خالق بؤيوك شنىلىك و مراسىملر دوزلتمىشدىر.
ايندىسه بو دېلر چوخ يئرده بوتونلوكله

ایلین سون چرشنه سینه توپلانیب و چوخ گۆزل سئوینج و شنلیک لر ایچینده یئرینه یئتیریلیر

چرشنه دب لری

بو گونده سه شنبه نین آخشام چاغیندان باشلییاریق بو ایشلرگؤرولور :

تونقال قالاماق:گون باتان چاغی دام اوستونده تونقال یاندریلیر و گنج-قوجا، اوشاق-بؤیوک، قیز-گلین، یانان تونقالین اوستوندن اویان-بویانا آتیلیب دئییلر:

آغیرلیغیم-بیغیرلیغیم بوردا قالاسان - دیش آغیریم، باش آغیریم بوردا قالاسان، آتیل-باتیل چرشنه، باختیم آچیل چرشنه

شار آتماق: قول بویدا بیر آغاجین باشینا چیت یوخسا پامبیق دولاییلار، اونو تئل(سیم)، یا قاتما ایله باغلائییلار. سونرا اونو نئفته باتیریپ اود ووروللار، یانان شاری جاوان-جوانلار و یئنی یئتمه لر و اوشاقلار وار گوجو ایله گویه سیخیللار..

نیت ائله مک:تونقالدان سونرا ائوه قاییدییلار. هر کیم اوره گینده بیر نیت توتور و بیر باشماق گؤتوروب گویه آتیر، باشماق آرخاسی اوستده یئره دوشسه ایسته گی یئرینه یئته جک. باشماق آغزی اوستده دوشرسه، ایسته گی گنرچک لشمز. بیرده نیت ائدن دن سونرا بیر داش آپاریپ بللی یئره قویوللار. ساباح تنزدن گندیپ اوداشی گؤتوروب آلتینا باخیللار. جانلی بیر زاد اوداشین آلتینا گیرمیش اولسا، ایستک یئرینه یئته جک. بیر آیری نیت بئله دیر. اوچ-دؤرد قیز بیر یئره بیغیلیب هر بیر یی بوغدا نیشانلابیب اود اوستده اولان ساجین یا لگه نین ایچینه آتیللار. هانکی بیرینین بوغداسی تنز چیرتدا سا او گلن ایل او واختا کیمین آر ائوینه گنده جک (داها دوغروسو ائوله نه جک)

قولاق آسدی: چرشنه آخشامی هامی ائوه بیغیلدیقدان سونرا کیمسه اوره گینده بیر سؤز توتوب (نیت) سونرا چیخیر چؤله. قولاقلارینی بارماقلاری ایله توتور و گندیپ اؤز نظرینده اولان قونوم-قونشو قاپی-باجاسینین یانیندا قولاقلارینی آچیر. بیرینجی ائشیتدیگی سؤز نیتین جاوابی اولموش اولور.

قورشاق آتماق:چرشنه آخشامی اوشاقلار، یئنی یئتمه لر، گنج لر و بیر سؤزله ایسته ین لر، قورشاقلارینی گؤتوروب اوره گینده توتدوغو ائوه قورشاق آتماغا گندیپ. آدم قاپینی آچیب اؤزونو گؤرست مه دن قورشاغی ائوه آتیر. ائو بیئه سی قورشاقا بیر بیر آز پای-پوی باغلایب قاپینی آچیب اونو چؤله قویور و قورشاق بیئه سی اؤزونو

گورست مه دن قورشاغینی گوتوروب گندیر دامین اوستونده باجا اولاردی گورردین قورشاق
آتماغا گلن، قورشاغی ایپله ائوه ساللادی. بو ایشه گوره قورشاق آتماغا آرا بیر یئرلر ده شال
ساللما و دسمال آتدی دا دئییللر. یئری وار بو مراسیمه باغلی اوستاد شهریارین حیدربابا
سیندان بو شعر ی پای آلاق

بایرامیدی گنج قوشو اوخوردو آداخلی قیز بی جورابین توخوردو
هر کس شالین بیر باجادان سوخوردو آی نه گوزه ل قایدادی شال ساللاماق

بی شالینا بایراملیغین باغلاماق

شال ایسته دیم من ده ائوده آغلادیم بیر شال آلیب تئز بئلیمه باغلادیم

قولام گیله قاشدیم شالی ساللادیم فاطما خالا منه جوراب باغلادی

خان ننه می یادا سالیب آغلادیم

پای آپارماق: چرشنه آخشامی قارداشلار باجیلارینا و آتالار قیزلارینا بایرام پایی آپاریلار.
بیرده کیمین او ایلین ایچینده یاخین بیر آدمی اولوبسه، اونا قارا بایرام ساییلیر. اونا گوره
قوهومو یاخینلار اونون یاسینی گوتورمکدن اوتورو "یاسداما" آدیندا بیر پایلا اونون گوروشونه
گندیب دئییرلر: الله رحمت ائله سین، الله گلن گونله ریزی خئییر ائله سین سو اوستونده ن
آتیلماق: چرشنه گونو قیز-گلین، قوجا-جاوان، اوشاق-بویوک سحر تئزدن دوروب یاخینلیق دا
اولان آرخ، بولاخ یا چابین سویونون اوستوندن آتیلیلار. آتیلاندا بئله دئییلر:

آزاریم-بزاریم بوردا قالاسان آغیرلیغیم-بیغیرلیغیم بوردا قالاسان

سونرا چای-بولاغین دورو سویی ایله، آل-اوز لرینی یووب سونرا دا کئچن ایلین بوتون
آغری-آجیسی باسدیریلسین دئییه بیر داش چئویریب ائوه قاییدیلار. بئله بیر گونده ائوینده یورقانا
دوشگه دوشن ناخوشی اولان، ناخوشینی، قوجا آدمی اولان قوجاسینی، کوک تویوغو اولان،
تویوغونو گوتوروب سو اوستونده ن آتاندیرماغا گتیریردیله. سون سوزوم بو اولسون کی
بوتون بو رسملر و ایناملار و اعتقادلار، آداملاری چوخ پیس و ضررلی عادت و نیت لردن
اوغورلوقدان، ریاکارلیقدان، اخلاقسیزلیقدان، تکبردن، پاخیللیقدان، باشقاسنین وارلیقینا گوز
تیکمک دن چکیندیرمیش، اونی حلال زحمته چاغیرمیش، نوروز(اوغوز) دبلری و اعتقادلاریندا
عدالته، خوشلوقا، باغیشلاماغا بویوک احترام وار.

نظرات خوانندگان عزیز در مورد حقوق زنان (سوال شماره پیش نشریه)

با تشکر و دردانی از تمامی عزیزانی که با ارسال جیمیل، ما را از نظرات خویش بهره مند نموده بودند، نظر سه نفر از دوستان را عیناً چاپ مینماییم.

علی ۲۵ ساله فارغ التحصیل زبان فرانسه

با عرض سلام و خسته نباشید، به نظر من مرد و زن هر دو دارای حقوقی برابر هستند چون هر دو انسان هستند. درست هست که از نظر جسمانی متفاوت هستیم اما این دلیلی بر برتری یکی بر دیگری نمی باشد. متأسفانه در جامعه ما این مسئله نادیده گرفته شده است.

گونش دانشجوی رشته معماری

با سلام و تشکر از زحمات شما، آقایان همانطوری که دوست دارند حقوقشان پایمال نشود باید برای دختران نیز به اندازه خودشان قیمت بدهند. من هنوز نمیدانم چرا تبعیض جنسیتی بر سرمان سایه افکنده به هر حال ما دختران تورک خواستاریم تا هر چه زودتر به تمامی حقوقمان برسیم تا آزادانه زندگی کنیم.

یعقوبیان فارغ التحصیل عمران از دانشگاه آزاد تبریز

با سلام و آرزوی موفقیت برای دست اندرکاران نشریه سوسما

به نظر من تساوی زن و مرد نمی تواند درست باشد، زیرا مردان و زنان دارای تفاوتی بسیاری هستند. آنچه میتواند مصداق عینی یابد، نه برابری حقوق مرد و زن بلکه عدالت در حقوق مرد و زن میباشد.

البته مطمئناً رعایت عدالت در حقوق انسانها کار بسی دشوار میباشد که برای تحقق آن احتیاج به بسیاری از زمینه ها، از جمله زمینه سازی فرهنگی میباشد. متأسفانه بسیاری شعار تساوی حقوق زنان با مردان را سر میدهند، اما در عمل با چرخشی ۱۸۰ درجه ای عکس آنچه را شعار میدهند، عمل مینمایند.

وطن باھاری



گلدی تازا ایل، نغمه سینی باشلادی بولبول
داغ-داش گوله دولدو، یئنه باش قووزادی سونبول
گئتدی قارا قیش گئتدی خزان، آجدی چیچه لر
باغلار یئنه آلدی اوزونه شانلی بزک لر
روحلار وطنین شن باھاریندان آلیر ایلھام
وئرمش اوزونه هر بیررسی، بیر گؤزل اندام
چهچه سی، وئردی هامی سیماده طراوت
گویا آچیلیب یئر اوزونه باب سعادت
سانما منی دیوانه، کی قیشدا باھار اولماز
اولماز چیچک آثاری، آغاجلار گوله دؤلماز
گولزار وطن هر طرفی ایندی باھاردیر
هر یئر طرفینده یئنی بیر طنطنه واردیر
هر ساحه سی قاردیر، ولی هر ساحده یاز وار
بو یئرده اورک سؤیگوسو، خوش نغمه لی ساز وار
میر مهدی اعتماد

تیراكتور ۱-۰ سپاهان

از رقابتهای هفته بیست و هفتم لیگ برتر، ارتش سرخ آذربایجان در یک هوای سرد و برفی حریف قدر خود را با تک گل رودریگو توزی شکست داده و روانه اصفهان کرد

جدول رده بندی لیگ برتر

امتیاز	تفاضل گل	گل خورده	گل زده	بخت مساوی	برد بازیها	تیم
52	22	20	42	5	7	سپاهان
49	16	31	47	6	7	تراكتور
48	14	29	43	6	6	استقلال
44	5	29	34	7	8	نفت تهران
42	3	31	34	7	9	صباي قم
39	2-	26	24	6	12	ذوب آهن
38	5	26	31	9	8	فولاد
35	1	37	38	8	11	پرسپولیس
34	10	29	39	9	10	سایپا
34	9-	47	38	11	7	نفت آبادان
33	3	23	26	9	9	ملوان
32	8-	35	27	11	8	داماش گیلان
31	8-	32	24	12	7	مس
31	9-	37	28	12	7	فجر سپاسي
29	4-	34	30	8	14	راه آهن
28	7-	28	21	9	13	شاهین
27	8-	34	26	10	12	بلدیه اسپور
۱۹	۲۷-	۴۳	۱۹	۱۶	۷	مس سرچشمه

لیگ برتر هفته بیست و هشتم

سایپای کرج – تراكتور آذربایجان

شنبه ۲۷ اسفند ساعت ۱۶ ورزشگاه انقلاب کرج

انتقال سالار طوری و وحید حبیب چشمه به زندان مرکزی تبریز

سوسوزگول: طبق اخبار دریافتی سالار طوری و وحید حبیب چشمه از فعالین ملی که به مدت ۲۱ روز در بازداشت وزارت اطلاعات بودند به زندان مرکزی تبریز انتقال داده شدند. مامورین اداره اطلاعات روز ۲ اسفند مصادف با روز جهانی زبان مادری این دو فعال ملی را از خانه پدری خود واقع در شهر جدید سهند بدون داشتن حکم جلب بازداشت کرده بودند و به هنگام بازداشت با تفتیش منزل و مغازه این دو نفر کیس کامپیوتر و کتابهایشان را با خود برده بودند.



دستبرد مسلحانه اشرار کرد به مغازه های زرگری در تبریز

اخبار آذربایجان: در پی گزارشهای رسیده روز شنبه ۲۰ اسفند در حوالی ساعت ۱۱ اشرار کرد با حمله مسلحانه به مغازه زرگری آقای بهرام فرضی در محله اسلام آباد سه نفر را مجروح کرده، دو نفر را کشته و به ارزش دویست میلیون طلا به سرقت بردند. خبرهای تایید نشده حاکی است که امروز هم به یک مغازه طلا فروشی در مارالان حمله شده است. حدود دو ماه پیش هم در راه بانه - تبریز به ماشین پخش کننده طلا حمله مسلحانه شده و یک نفر هم از اهالی روستای اسفنجان به نام مسلمی کشته شده بود.

شعار هواداران تیراكتور در حمایت از سولدوز

اویرنجی: هواداران تیراكتور در بازی تیراكتور- سپاهان که با نتیجه یک بر صفر به نفع تیراكتور به پایان رسید، شعارهایی در حمایت از سولدوز و اعتراض به زیاده خواهی اکراد نسبت به مناطق غرب آذربایجان سر دادند. شعارها عبارت بودند از:

بو توپراقدان پای اولماز - سولدوز کوردوستان اولماز

آذربایجان وار اولسون - ایستمین کور اولسون



۳۰۰ تومن